



دانشگاه کاشان
دانشکده علوم انسانی
گروه الهیات

پایان نامه
جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد
در رشته الهیات-علوم قرآن و حدیث

عنوان:
بازنگری تعاریف وجوه و نظایر و ارائه دسته‌بندی نوین از آنها

استاد راهنما:
دکتر مصطفی عباسی مقدم

به وسیله:
علی محمد آقایی

دی ماه ۱۳۹۰

سپاسگزاری

بانشکر از زحمات بی دریغ جناب آقای دکتر مطفی عباسی مقدم که بارها بهمانی های صادقانه و خالصانه خود حقیر را در

نگارش این اثر یاری نمودند که اگر نبوده توصیه های مشفقانه ایشان، این تحقیق به مقصود نمی رسید، و نیز از جناب

آقای دکتر محسن قاسمپور که دلسوزانه زحمت بازخوانی این اثر ناچیز را کشیدند، کمال سپاس را دارم.

همچنین از داوران محترم دکتر اقبالی و دکتر ستکار که در اصلاح این تحقیق بنده ریااری نمودند شکر می نمایم.

در پایان از تشریف فرمایی نایبانه محترم تحصیلات تکمیلی، آقای دکتر کنجی سپاسگزارم.

تقدیم

پیشکش بہ خاک آستان پیامبر مہربانی ہا حضرت محمد (ص)

کہ آدیستان را دیون اویم۔

چکیده

یکی از موضوعات قرآنی که پژوهش و تدوین درباره آن پیشینه ای بس کهن دارد، مبحث «وجوه و نظایر» در قرآن است. دانش وجوه و نظایر یکی از شاخه های دانش مفردات محسوب شده و مفردات پیش نیاز تفسیر است. با توجه به گوناگونی موارد استعمال واژه ها در زبان عربی، همواره با این واقعیت روبرو هستیم که گاهی یک واژه در جمله ای معنایی می دهد که همان واژه در جمله دیگر معنایی اندک یا بسیار متفاوت دارد و تنها به کمک قرینه های مختلف می توان به مفهوم درست آن واژه پی برد.

دانشمندان تعاریف متفاوتی از «وجوه و نظایر» ارائه داده اند. عده ای معتقدند وجوه همان لفظ مشترک است که در چند معنی استعمال می شود و نظایر عبارت از الفاظ مترادف است؛ اما دسته ای دیگر بر این رأیند که نظایر همان الفاظ مشترکی است که در جای جای قرآن به یک شکل آمده و وجوه، معانی مختلف این الفاظ مشترک است. گروهی نیز وجوه را به احتمالات تفسیری یک واژه یا یک عبارت تعریف کرده اند.

از نظر این پژوهش، وجوه قرآن عبارت است از معانی کاربردی هر واژه قرآنی در پهنه آیات و نظایر عبارت است از الفاظ قریب المعنی یا مترادف در سراسر آیات قرآن. همچنین وجوه قرآن را می توان به سه گونه حقیقی، مجازی و مصداقی بخش بندی نمود که تعریف دقیق و نمونه های هر یک با استناد به منابع تفسیری و علوم قرآنی به تفصیل آمده است.

کلمات کلیدی: اشتراک لفظی، ترادف، مفردات، نظایر، وجوه

فهرست

صفحه	عنوان
۱	کلیات و مقدمه
۶	فصل اول: اشتراک لفظی و ارتباط آن با وجوه
۷	مقدمه
۸	۱-۱- تعریف اشتراک
۸	۱-۱-۱- اشتراک در لغت
۸	۱-۱-۲- اشتراک لفظی در اصطلاح
۹	۱-۲-۱- اشتراک لفظی در علم منطق
۹	۱-۲-۲- اشتراک لفظی در اصول فقه
۱۰	۱-۲-۳- اشتراک لفظی در علوم قرآنی
۱۰	۱-۲-۴- اشتراک لفظی در نظر زبان شناسان معاصر
۱۲	۲-۱- مشترک لفظی از نظر قدما
۱۶	۳-۱- نظر زبان شناسان معاصر عرب در مورد مشترک لفظی
۱۷	۴-۱- ادله موافقان و مخالفان اشتراک لفظی
۲۰	۴-۱-۱- ادله وجود اشتراک لفظی در قرآن
۲۱	۵-۱- عدم امکان استعمال لفظ در بیش از یک معنا
۲۳	۶-۱- عوامل پیدایش اشتراک لفظی

۷-۱- اقسام و حدود اشتراک لفظی در قرآن ۲۵

۱-۷-۱- اقسام مشترک لفظی در قرآن ۲۵

۲-۷-۱- حدود اشتراک لفظی در قرآن ۲۶

۸-۱- حکم مشترک لفظی و رابطه آن با وجوه ۲۸

فصل دوم: بررسی و تحلیل تعاریف وجوه و نظایر ۳۱

مقدمه ۳۲

۱-۲- خاستگاه وجوه و نظایر ۳۲

۲-۲- مفردات و ارتباط آن با تفسیر و وجوه و نظایر ۳۴

۱-۲-۲- تعریف علم مفردات ۳۴

۲-۲-۲- شاخه های علم مفردات ۳۵

۳-۲-۲- ارتباط دانش مفردات با وجوه و نظایر ۳۷

۴-۲-۲- نقش مفردات در تفسیر ۳۷

۵-۲-۲- پیشینه مفردات ۳۹

۳-۲- وجوه و نظایر در روایات ۴۰

۴-۲- تعاریف وجوه و نظایر ۴۲

۱-۴-۲- معنای لغوی وجوه ۴۳

۲-۴-۲- معنای لغوی نظایر ۴۴

۳-۴-۲- تعاریف اصطلاحی وجوه و نظایر ۴۵

- ۴۵ ۲-۴-۳-۱- تعریف ابن قتیبه دینوری
- ۴۶ ۲-۴-۳-۲- تعریف محمد عثمان
- ۴۷ ۲-۴-۳-۳- تعریف ابن جوزی
- ۴۷ ۲-۴-۳-۴- تعریف ابن دامغانی
- ۴۸ ۲-۴-۳-۵- تعریف زرکشی
- ۴۸ ۲-۴-۳-۶- تعریف سیوطی
- ۴۹ ۲-۴-۳-۷- تعریف حاجی خلیفه
- ۵۰ ۲-۴-۳-۸- تعریف عبدالله شحاته(مقدمه اشباه و نظایر مقاتل)
- ۵۰ ۲-۴-۳-۹- تعریف محمد المصری(مقدمه أشباه و نظایر ثعالبی)
- ۵۱ ۲-۴-۳-۱۰- تعریف نجف عرشی(مقدمه وجوه القرآن نیشابوری)
- ۵۲ ۲-۴-۳-۱۱- تعریف محمد هادی معرفت
- ۵۶ ۲-۴-۳-۱۲- تعریف سید حسین سیدی
- ۵۷ ۲-۴-۳-۱۳- تعریف دکتر مهدی محقق
- ۵۹ ۲-۴-۴- وجوه و نظایر در تفاسیر
- ۶۲ ۲-۴-۵- دسته بندی تعاریف وجوه و نظایر
- ۶۵ ۲-۴-۶- تعریف برتر
- ۶۶ ۲-۵- اهمیت وجوه و نظایر در ترجمه قرآن
- ۶۹ **فصل سوم: اقسام وجوه**

۷۰ مقدمه
۷۰ ۱-۳- علم بیان
۷۱ ۱-۱-۳- فصاحت ، بلاغت و اعجاز قرآن
۷۴ ۲-۱-۳- رابطه علم بیان با وجوه
۷۵ ۲-۳- اقسام وجوه و نمونه های آن
۷۶ ۱-۲-۳- وجه حقیقی
۷۶ ۱-۱-۲-۳- تعریف وجه حقیقی
۷۶ ۲-۱-۲-۳- نمونه های وجه حقیقی
۸۸ ۲-۲-۳- وجه مجازی
۸۸ ۱-۲-۲-۳- مجاز در لغت و اصطلاح
۸۹ ۲-۲-۲-۳- اقسام مجاز
۹۲ ۳-۲-۲-۳- استعاره (مجاز مفرد بالاستعاره)
۹۲ ۴-۲-۲-۳- کنایه
۹۳ ۵-۲-۲-۳- نمونه های وجه مجازی
۱۰۳ ۱-۵-۲-۲-۳- نمونه های استعاری وجه مجازی
۱۰۹ ۲-۵-۲-۲-۳- نمونه های کنایی وجه مجازی
۱۱۸ ۳-۲-۳- وجه مصداقی
۱۱۸ ۱-۳-۲-۳- تعریف وجه مصداقی
۱۱۹ ۲-۳-۲-۳- نمونه های وجه مصداقی

۱۲۸	فصل چهارم: ترادف و نظایر در زبان عربی و قرآن
۱۲۹	مقدمه
۱۳۰	۱-۴- ترادف در لغت
۱۳۰	۱-۱-۴- ترادف در لغت
۱۳۰	۲-۱-۴- ترادف در اصطلاح
۱۳۰	۱-۲-۱-۴- ترادف متقدمان
۱۳۱	۲-۲-۱-۴- ترادف متأخران
۱۳۲	۳-۲-۱-۴- اختلاف ترادف متأخران با متقدمان
۱۳۳	۲-۴- پیشینه ترادف
۱۳۵	۳-۴- موافقان و مخالفان ترادف
۱۳۵	۱-۳-۴- ادله منکران ترادف
۱۳۷	۲-۳-۴- ادله موافقان ترادف و رد ادله منکران
۱۴۳	۴-۴- اسباب ترادف
۱۴۴	۵-۴- شروط ترادف
۱۴۶	۶-۴- انواع ترادف (نظایر) در قرآن
۱۴۹	۷-۴- رابطه مترادفات با نظایر
۱۵۰	نتیجه تحقیق

کلیات و مقدمه

موضوع تحقیق

در تعریف علم «وجوه و نظایر» عده ای از صاحب نظران معتقدند وجوه قرآن مباحث لغوی و مفرداتی و البته در خدمت تفسیر قرآن می باشد و تعریف آن عبارت است از بررسی معانی کاربردی هر لفظ در پهنه آیات قرآن و نظایر عبارت است از واژگان قریب المعنی در قلمرو وحی قرآنی اما گروهی، وجوه را احتمالات مختلف تفسیری برای یکایک واژگان قرآنی می دانند و نظایر را آیات و جملات با واژگان قریب المعنی می شمارند. بررسی و نقد تعاریف ارائه شده از وجوه و نظایر و حاصل نمودن تعریفی نو و منقح از وجوه و نظایر در تحقیق حاضر مورد نظر است و سپس با توجه به تفاوت هایی که میان انواع وجوه و نظایر وجود دارد، یک دسته بندی روشن از آنها ارائه خواهد گردید و نمونه های هر قسم با استفاده از تفاسیر مهم و برجسته فریقین مورد اشاره خواهد گرفت. در ضمن این مباحث، اهمیت زاید الوصف وجوه و نظایر در عرصه علوم قرآنی و جایگاه آن نسبت به دانش هایی چون مفردات و تفسیر روشن خواهد شد.

زمینه ، سابقه و تاریخچه موضوع تحقیق

مباحث وجوه و نظایر به عنوان یکی از دانش های قرآنی، در سه دسته منابع تدوین شده است: ۱. کتبی با عنوان وجوه القرآن و یا الاشباه و النظائر و یا الوجوه و النظائر و یا عناوین مشابه مانند وجوه قرآن تفلیسی و الوجوه و النظائر ابن دامغانی. ۲. در لا به لای مباحث تفسیری در تفاسیر مختلف مانند مجمع البیان طبرسی. ۳. در ضمن مباحث علوم قرآنی در معرفی دانش وجوه و نظایر مانند الاتقان سیوطی و البرهان زرکشی.

پیشینه بحث وجوه و نظایر در علوم قرآنی به روزگار پیش از تقسیم بندی و جداسازی علوم اسلامی باز می گردد. نخستین نوشته در این باره به قرن دوم یعنی کتاب مقاتل بن سلیمان بلخی، در گذشته به سال ۱۵۰ ه. ق، به نام «الوجوه والنظائر فی القرآن الکریم» باز می گردد. از دیگر نوشته های مفسران در وجوه و نظایر در قرن دوم، کتاب هارون بن موسی به نام «الوجوه والنظائر فی القرآن الکریم» می باشد. در همین قرن کتاب «التصاریف» یحیی بن سلام را می بینیم که از بخش هایی تشکیل شده است و هر بخش شامل واژه ای از قرآن است که مولف به شیوه ذکر وجوه آن به تفسیر پرداخته است.

در قرن سوم به کتاب حکیم ترمذی در وجوه و نظایر بر می خوریم که با اندیشه و ایده وجوه گوناگون برای واژه های قرآنی مخالف است. نام کتاب ترمذی «تحصیل نظائر القرآن» می باشد.

در قرن پنجم کتاب «وجوه القرآن» اسماعیل جبری نیشابوری به منصف ظهور می رسد که کتاب مهمی است. در همین قرن کتاب دامغانی (م ۴۷۸ق) مطرح می شود که سیوطی در الاتقان به آن اشاره کرده است. این کتاب «الوجوه والنظائر لا لفاظ کتاب الله العزیز» نام دارد و در بردارنده حدود ۵۰۰ واژه است. در اواخر قرن ششم به کتاب «نزهة الا عين النواظر فی علم الوجوه والنظائر» از ابن جوزی بر می خوریم که در آن بسیاری از واژه ها و وجوه مختلف آن را، پس از ذکر مورد نقد قرار داده است.

از کتاب هایی که در بردارنده موضوع وجوه و نظایر در قرن هشتم می باشد، کتاب «بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز» نوشته فیروز آبادی است. هند شبلی در بین کتاب های وجوه و نظائر در قرآن، از کتابی با نام «کشف الاسرار عن الوجوه والنظائر» از شمس الدین بن عماد در قرن نهم هجری نام می برد که در بردارنده بررسی ۱۵۰ واژه در وجوه و نظایر قرآن است.

برخی از نویسندگان نیز وجوه و نظایر را به عنوان واژگان مشترک قرآنی بررسی کرده و کتاب هایی تالیف کرده اند که از مهم ترین آن ها می توان به کتاب «ما اتفق لفظه واختلف معناه من القرآن المجید» از مبرد، «الاشباه والنظائر فی الالفاظ القرآنیه» از ثعالبی (م ۴۲۹ق)، «الفاظ الاشباه و النظائر» از ابن انباری (م ۵۷۷ق)، «وجوه قرآن» از حبیب بن ابراهیم تغلیسی (م ۶۲۰ق)، «معتک الاقران فی مشترک القرآن» از سیوطی (م ۹۱۱ق) و... اشاره کرد.

در میان معاصران از جمله کسانی که به موضوع وجوه و نظائر با مصداق اشتراک لفظی در قرآن پرداخته است، می توان به محمد نور الدین المنجد با کتاب «الاشتراک اللفظی فی القرآن بین النظریه والتطبیق» اشاره کرد. همچنین خانم سلوی محمد العوا مصنفی به نام «بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن کریم» نگاشته و در آن با نگاهی زبان شناختی به موضوع وجوه و نظایر پرداخته و فهم واژگان مشترک قرآنی را مبتنی بر بافت و سیاق کلام دانسته است.

اما به طور کلی در قرون و دهه های اخیر، کتاب مستقل و جامعی پیرامون وجوه و نظایر نگاشته نشده و نیاز علمی به بررسی ها و مطالعات جدید در باز شناسی این دانش و باز آفرینی مباحث وجوه و نظایر در واژگان قرآن احساس می شود.

اهداف تحقیق

۱. تعیین و تبیین جایگاه بر جسته ی وجوه و نظایر در دانش تفسیر
۲. باز نگری تعاریف وجوه و نظایر و نقد و بررسی تعاریف نویسندگان علوم قرآنی
۳. تطبیق وجوه مشخص شده برای لغات با تفاسیر شیعه و اهل سنت و گزارش آنها

۴. ارائه دسته بندی مشخص برای وجوه و نظایر به کار رفته در قرآن

اهمیت و ارزش تحقیق

از آنجا که تا کنون در حیطه ی وجوه و نظایر، تلاشی برای باز نگری و بررسی دوباره و رفع کمبودها و احیانا معایب آن صورت نگرفته است ، لازم است این مهم انجام گیرد. از طرفی چون دانستن وجوه و نظایر، کمک شایانی به سهولت و صحت تفسیر آیات قرآن می نماید، ارائه دسته بندی نوین از وجوه و باز خوانی مباحث آن می تواند به همه کسانی که در راه تدبر و تفسیر قرآن گام می نهند، یاری مطلوبی برساند.

فرضیه ها یا سؤال های ویژه

۱. برخی از تعاریف محققان علوم قرآنی در مورد وجوه و نظایر با تعاریف قدما در تعارض بوده و قابل نقد می باشد.

۲. وجوه قرآن و نظایر بر خلاف دیدگاهی که آن را جزء یا عین تفسیر می داند، بخشی از علم مفردات قرآن و استمرار واژه شناسی می باشد.

۳. بسیاری از وجوه مطرح شده برای واژگان قرآنی در منابع، جنبه تفسیری یا تاویلی داشته و منطبق بر تعریف اولیه وجوه نمی باشد.

۴. وجوه واژگان قرآنی را می توان به سه قسم حقیقی، مجازی و مصداقی تقسیم نمود.

در فصل اول تحقیق حاضر، مفهوم اشتراک لفظی و ارتباط منطقی آن با وجوه بررسی شده و چرایی وقوع اشتراک لفظی در واژگان قرآنی بیان می شود. در فصل دوم نیز تعاریف ارائه شده از دانش وجوه و نظایر واکاوی و در نهایت بر اساس قراین موجود، تعریف برتر در این زمینه معرفی خواهد شد. در فصل سوم اقسام وجوه بیان شده و نمونه های بین آن در میان واژگان قرآنی ذکر می شود، و در فصل چهارم نیز به مبحث ترادف و رابطه آن با دانش نظایر اشاره خواهد شد.

فصل اول

اشتراک لفظی و ارتباط آن با وجوه

مقدمه

وجود اشتراک لفظی یا الفاظ چند معنا در زبان عربی و به تبع آن در قرآن از دیر باز مورد اختلاف لغت شناسان و قرآن پژوهان بوده است. گروهی با استعمال آن در قرآن موافق و گروهی مخالف بوده اند. اشتراک لفظی از موضوعات مبحث الفاظ اصول فقه و منطق و نیز از مباحث ضمنی علم بیان (مبحث کنایه و تعریض) و علم بدیع (مبحث توریه و استخدام) و همچنین از موضوعات مورد بحث در فقه اللغه به شمار می رود و چون بسیاری از مباحث علوم قرآن از علوم دیگر گرفته شده، دانشمندان علوم قرآنی، مبحث اشتراک لفظی را از علوم یاد شده وام گرفته و بر آیات قرآن تطبیق کرده اند. به نظر می رسد این وام گیری با این پیش فرض صورت گرفته که اشتراک لفظی در کلمات قرآن از مصادیق اشتراک لفظی در کلام عرب است و با آن سنخیت دارد و آثار اختلاف نظر های مربوط به آن همان آثار مترتب بر اختلاف نظر های اشتراک لفظی در زبان عربی است، اما ما در این فصل خواهیم گفت که مشترک لفظی زیر مجموعه وجوه و نظایر و جزئی از آن است.

۱-۱- تعریف اشتراک

۱-۱-۱- اشتراک در لغت

اشتراک در لغت به معانی انبازی کردن، با یک دیگر انباز شدن، با یکدیگر نزدیک شدن^۱ و اختلاط و با یکدیگر مخلوط شدن^۲ آمده است. اما در اصطلاح علمای علم لغت و منطق و اصول و دانشمندان علوم قرآنی و زبان شناسان، تعاریف گوناگون و نزدیک به هم از آن ارائه شده است که آن ها را بررسی خواهیم کرد.

۱-۱-۲- اشتراک لفظی در اصطلاح

لغت شناسان تقریباً تعریف یکسانی از اشتراک لفظی ارائه داده اند. سیبویه در تعریف اشتراک لفظی می گوید: «ومنه إتفاق اللفظین و المعنی مختلف.»^۳ دو قرن بعد از سیبویه، ابن فارس (م ۳۹۵ق) همان تعریف سیبویه را نقل کرده و می گوید: «و منه إتفاق اللفظ و إختلاف المعنی» و به مثال هایی از قرآن برای آن استشهدا جسته است.^۴

بطور کلی، قدر مشترک تعاریف اشتراک لفظی این است که لفظی بیش از یک معنا داشته باشد. در ادامه تعاریف اشتراک لفظی در علوم مختلف را ذکر کرده و سپس تعریف صحیح تر را بیان خواهیم کرد.

^۱ دهخدا، لغت نامه، ج ۲، ص ۲۲۱۸

^۲ معلوف، المنجد في اللغة، ص ۳۸۴

^۳ سیبویه، الكتاب، ج ۱، ص ۷۰۸

^۴ ابن فارس، الصحابي في فقه اللغة، ص ۳۲۷

۱-۱-۲-۱- اشتراک لفظی در علم منطق

در علم منطق لفظی را مشترک گویند که دارای معانی متعدد باشد و برای همه این معانی به صورت مساوی وضع شده باشد، بدون اینکه در بیان لفظ، بعضی از این معانی، بر بعضی دیگر در ذهن سبقت بگیرند؛ مانند لفظ «عین» در معنای چشم و چشمه و طلا و... و لفظ «جون» در معنای سیاه و سفید.^۱

روشن است که در الفاظ مشترک، تبادل یکی از این معانی در ذهن، به کمک قرینه است. با این تعریف، الفاظ منقول و مرتجل و حقیقت و مجاز که دارای معانی متعدد هستند از شمول اشتراک خارج می شوند.

۱-۱-۲-۱- اشتراک لفظی در اصول فقه

مشترک لفظی در علم اصول فقه این است که هر گاه لفظ واحد و معنا متعدد باشد یعنی یک لفظ در مقابل چند معنا، و با وضع های جدا گانه به کار رود در این صورت آن لفظ را مشترک می نامند.^۲ سیوطی به نقل از عالمان علم اصول در تعریف مشترک لفظی می گوید: «اهل اصول در این باره می گویند مشترک لفظی این است که یک لفظ، بر معانی متعدد و به صورت یکسان دلالت کند.^۳ وی در جایی دیگر می گوید که تعدد وضع معنا باید در یک قبيله صورت گرفته باشد.^۴ برخی شرط کرده اند که لفظ مشترک در

^۱ المظفر، المنطق، ص ۳۷

^۲ دهخدا، لغت نامه، ج ۲، ص ۲۲۱۸

^۳ سالم مکرم، المشترك اللفظي في ضوء غريب القرآن، ص ۹

^۴ سیوطی، المزهر في علوم اللغه، ج ۱، ص ۳۶۹

مواضع مختلف، حروف و حرکات واحدی داشته باشد.^۱ براین اساس «رُوح» و «رُوح» و «ظن» و «ظنین» را مشترک لفظی به شمار نیاورده اند و به این ترتیب برخی چنان قیود به تعریف مشترک لفظی افزوده اند که مجالی برای اشتراک لفظی نمانده است.^۲

۱-۱-۲-۳- اشتراک لفظی در علوم قرآنی

اشتراک لفظی در علوم قرآنی معمولاً به وجوه تعبیر می شود. زرکشی و سیوطی دو قرآن پژوه پرآوازه قرن هشتم و نهم هجری در کتاب البرهان و الاتقان در تعریف وجوه گفته اند: «فالوجوه اللفظ المشترك الذی يستعمل فی عده معان»^۳. وجوه لفظ مشترکی است که در چند معنی استعمال می شود.

۱-۱-۲-۴- اشتراک لفظی در نظر زبان شناسان معاصر

زبان شناسان میان چند اصطلاح تفاوت قائل شده اند. نخستین اصطلاح، چند معنایی (polysemy) است که در آن یک واژه یا یک گزاره دو یا چند معنای مرتبط به هم داشته باشند، از نظر زبان شناسان این معانی چندگانه برای یک واژه باید با هم مرتبط باشند. چنین اتفاقی در معنا شناسی، چند معنایی را از تک معنایی (monosemy) جدا می کند. افزون بر آن، در صورتی که معانی چند گانه ی یک واژه بی ارتباط با هم باشند، گویا اتفاق دیگری افتاده است که به آن «هم آوایی- هم نویسی» (homonymy) می گویند. هم آوایی- هم نویسی اشکال متفاوتی دارد که با جناس قابل مقایسه است. به عبارت دیگر، اگر واژگان هم آوا، معانی مختلفی داشته باشد، به آن هم آوایی (homophone) می گویند،

^۱ المنجد، الاشتراك اللفظي في القرآن، ص ۳۷

^۲ همان، ص ۳۸

^۳ زرکشی، البرهان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳۴- سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۱۴۴